



نت‌های «دلبری»

درباره دلبری
دومین ساخته بلند سیدجلال اشکذری

فیلم سینمایی «دلبری»، روایتگر عاشقانه‌ها و دل‌تنگی‌های زنان صبور و فداکار جانبازان است.

دومین ساخته بلند «سیدجلال دهقان اشکذری» پس از «خانه‌های کنار ابرها» شاید در نگاه اول به لحاظ درام و فیلمنامه خیلی مورد استقبال منتقدان قرار نگرفته اما با نگاهی عمیق تر به لحاظ اجتماعی و احساسی دارای قابلیت‌های زیادی است.

فیلم با طنزهای‌ها و دیالوگ‌های صمیمانه اعضای خانواده که در حال آماده شدن برای حضور در مراسم عروسی هستند، آغاز می‌شود و خیلی زود با خروج فرزندان از منزل، فضای خانه روایتگر دنیای کوچک «طوبا» (هنگامه قاضیانی) و همسرش «میثم» می‌شود.

لوکیشن اصلی فیلم آپارتمان کوچک و آرام آنهاست و خارج خانه سرشار از هیاهوی جشن عروسی خواهرزاده طویاست.

میثم یک جانباز قطع نخاعی است که قدرت تکلم ندارد و تا پایان فیلم هم تصویرش نشان داده نمی‌شود و تنها راه ارتباطی او با همسرش پاسخ دادن به سوالات او با پلک زدن است که کارگردان آن را با باز و بسته شدن دوربین به مخاطب نشان می‌دهد و حس و حال خاصی به مخاطب می‌دهد:

– «روسیم رو دوس داری یا خودمو؟»

– اصلا دوسم داری؟

– الان میرم برات آرایش کنم و...»

و در مقابل این جملات عاشقانه طوبا، پاسخ میثم تنها پلک زدن است و نوع و تعداد این پلک زدن‌ها آن قدر معنی دار است که در جایی که انتظار دارد در پاسخ سوآلش سه بار پلک بزند، میثم چهار بار پلک می‌زند و همین یک پلک زدن اضافه موجب درگیری ذهنی طوبا شده و به نوعی داستان اوج می‌گیرد و مخاطب را هم با احساسات خود درگیر و همراه می‌کند.

طوبا به خاطر میثم در خانه می‌ماند و به مراسم عروسی نمی‌رود اما تلاش‌های اطرافیان و خصوصاً داماد (عباس غزالی) برای پرکردن خلأ آنها در مراسم، نشان از دل‌بستگی اطرافیان و تکریم جانباز دارد:

«آوردن ماشین عروس جلوی خانه و گرفتن عکس یادگاری دونفره طوبا و همسرش با یک عروسی، تماس‌های مکرر اطرافیان در حین جشن و بیابان حال و هوایش برای آنان و...»

در واقع دلبری، روایتگر دو دنیای متفاوت است، یکی دنیای درونی و زندگی یک زن با همسر جانبازش که دنیایی محدود، در فضایی کوچک و آرام با

و دنیای بیرون از خانه که سرشار از هیاهو و شادی و سروراست.

دلبری روایتگر عشق واقعی است، عشقی که شاید این روزها در جامعه کمتر دیده می‌شود، عشق همسران جانباز که در دنیایی کوچک با دل‌های بزرگ خالصانه ابراز می‌کنند و حتی حاضر حاضر نیستند غم هایشان را از فضای کوچک خانه به بیرون منتقل کنند و جامعه را درگیر سختی‌هایشان کنند، تا حدی طوبا حاضر نیست غم از دست دادن همسرش را به دیگران بروز دهد که میبادا دنیای شاد آنها را خراب‌کند.

دنیای بیرون از خانه که در واقع کارگردان می‌خواهد با نشان دادن لوکیشن محدود و کند کردن ریتم

– که ممکن است موجب بی‌حوصلگی تماشاگر شود– به مخاطب نشان دهد که این زندگی‌ها چقدر سخت و محدود است و مخاطبی که حوصله دیدن یک ساعت از دیدن آن را ندارد، کسانی که در دنیای واقعی ساهاست درگیر این نوع از زندگی هستند، چگونه روزگارشان را سپری می‌کنند؟

با این توصیفات به لحاظ هنری علاوه بر توانمندی کارگردان که بخوبی توانسته در فضای محدود فیلمی خوب بسازد، بازی زیبا و بی‌نقص هنگامه قاضیانی و موسیقی فیلم موجب جذابیت بیشتر فیلم شده است. یک موسیقی ماندگار از «فرید سعادت‌مند» آهنگساز سریال «ارغان تاریکی» و «پروانه» که ذوق و مهارت خاصی در اجرای موسیقی‌های احساسی دارد.

در واقع این موسیقی است که سکوت حاکم بر فیلم را می‌شکند، که در ابتدا با ریتمی آرام با دیالوگ‌های عاشقانه طوبا همراه می‌شود و به مرور به تم‌های اصلی و دل‌نشین خود می‌رسد و در لحظات هیجان‌انگیز با بالا رفتن تم موسیقی مخاطب را متوجه اتفاقات می‌کند، خصوصاً در لحظه شهادت میثم که شاید موسیقی بیش از حرکت بازیگران، مخاطب را متوجه شهادت اومی‌کند.

به تعبیری می‌توان گفت بازیگران اصلی این فیلم هنگامه قاضیانی و فرید سعادت‌مند هستند که اولی با بازی زیبا و دومی با نت‌های دل‌نشین همپای قصه پیش می‌رود و حال و هوای درونی متن و درام را به مخاطب منتقل کند.اجرای موفق موسیقی دلبری و نقش اثرگذار آن روی مخاطب، نشان می‌دهد که شاید زمان آن رسیده است که بیش از گذشته به اثرگذاری آهنگساز و موسیقی متن در تولیدات سینمایی توجه شود و یقیناً در آینده نزدیک دنیای سینما بیشتر از سعادت‌مندا و آهنگسازان جوان خواهد شنید.



بخش فیلم سینما، ایران

شانزدهمین جشن «حافظ» در گفت‌وگوی «ایران» باعلی معلم:

هنرمند تحقیر شده به درد مملکت نمی‌خورد

جشن دنیای تصویر یک جشن مستقل است و از جایی دستور نمی‌گیرد

نرگس عاشوری

سه روز قبل از موعد برگزاری «جشن حافظ»، وعده‌گفت‌وگویی مابادبیر شانزدهمین دوره این جشن است. کارت‌های دعوت در حال تقسیم‌بندی برای ارسال است و تب‌وتاب میزبان فضای متفاوتی به دفتر مجله «دنیای تصویر» داده است. بی‌خبر از اینکه شاید به‌فاصله‌کمتر از دو روز زمانه به‌برگزاری جشن همه‌این تلاطم‌ها به سکون و سکوتی مبهم منتهی شود. در طبقه دوم اما جنس این تب و تاب مفاهمی متفاوت است. مدیرمسئول مجله و مدیر این جشن در حال رایزنی برای کسب مجوز جشنی است که نامش به صورت رسمی در تقویم هائیت شده‌است و آن منتظر تأیید هیئتی‌انتظامی و در اختیار قراردادن سالن برج میلاد است. باوجود این‌علی معلم که چندان اهل غرزدن‌های معمول نیست می‌گوید که به‌هم‌افزایی نیروی انتظامی، امنیتی و اجتماعی معتقد است و در عین حال گلاویه‌های ضمنی خود را این‌گونه مطرح می‌کند: «در تمام این سال‌ها بخش بزرگی از انرژی و وقت ما برای اثبات حقانیت این جشن صرف می‌شود و هنوز بعد از ۱۵ سال نتوانسته‌ایم برادری را خودتایید کنیم. با وجود دعوت شده اند تا شانزدهمین دوره می‌حافظ نشان را کنم آدم معتقدی به فعالیت در حوزه خودمان هستم باید یک جاهایی بروم و پای تعهدنامه‌ها نشست بزنم.» جشن حافظ تنها رویداد سینمایی کشور است که از سوی بخش خصوصی و به همت مانمانه «دنیای تصویر» از سال ۷۸ برگزار می‌شود. این جشن که آثار سینمایی و تلویزیونی رصد شده‌اند فروردین تا اسفند سال گذشته را دور می‌کند در سال‌های ۹۲-۹۱ به دلیل آنچه‌علی معلم به‌اندانن به مخالفت هم‌ارای‌های اهدای جایزه به «سنوری» و «قهوه‌تلخ» می‌گوید توقیف شد. طبق برنامه ریزی ها و هماهنگی‌های انجام شده جوهره‌های فرهنگ و هنر برای ۲۸ تیرماه برج میلاد دعوت شده‌اند تا شانزدهمین دوره می‌حافظ نشان را جشن بگیرند، اما اخباری که ظهر روز شنبه روی تلکس‌های خبری قرار می‌گیرد حکایت آن‌ان دارد که زمان برگزاری جشن به روز دیگری موکول شده‌است. یک روز قبل از مخابره این خبر باعلی معلم درباره اهداف این جشن، مشکلات برگزاری جشنواره‌های خصوصی، لزوم برگزاری جشنواره‌ها و جشن‌های مختلف سینمایی و هم‌افزایی آنها صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ **سال ۷۸ چه اهداف و جریانی باعث شد علی معلم تصمیم بگیرد که بدون حمایت ارگان‌های دولتی جشنی برای خانواده سینما و تلویزیون برگزار کند.**

جرقه اولیه برگزاری این جشن به مراسم برمی‌گردد که در دهه ۷۰ از طرف منتقدین برگزار می‌شد. در مراسمی که از مرحوم علی حاتمی برای فیلم «دلشدگان» تقدیر شد وقتی نام حاتمی اعلام شد آنقدر هول شده بود که نزدیک بود از پل‌ها بپایفتد. روی سن که آمد خیلی با شور و پر حرارت چند جمله‌ای گفت و پایین رفت. وقتی مراسم تمام شد گفت: علی جان من خیلی هول شدم. حرف‌هایم از یادم رفت و یک‌دفعه رشته کلام از دستم در رفت. آن زمان یک جمله‌ای به من گفت که ذهنم را خیلی درگیر کرد. گفت آنقدر هنرمندان در ایران تحقیر شده‌اند که تشویق شدن بلد نیستند و اگر بخوایم تشویق شویم خودمان را گم می‌کنیم. گفت که بین آمریکایی‌ها در اسکار جشنی در حال هستند، نت نوشته‌اند و با اعتماد به نفس حرف

جشن تبیین‌کننده مراسم‌ها و سیاست دآوری آن است؟

قطعاً. ما برخلاف جشنواره‌ها و جشن‌های دیگر فقط درباره آثاری که به ارکان درآمده یا در تلویزیون و شبکه خانگی بخش شده، دآوری می‌کنیم. بر این اساس تیم دآوری فرصت یک ساله برای بررسی آثار دارد و علاوه بر جنبه کیفی آثار فیلم‌ها در پرتو ارتباط با مخاطب بیشتر هم ارزیابی می‌شود. رابطه سینما با مردم یک رابطه دموکراتیک است. شما با اجبار به سینما نمی‌روید یا خواسته قلبی می‌روید و برای آن هزینه می‌کنید. یک رابطه کامل‌الحلال بین سینما و مشتریانش وجود دارد. این رابطه، رابطه احترام برانگیزی است و چون آن را دوست داشتیم در دآوری‌ها بر آن پایبند بودیم و بالطبع ارتباط و عکس‌العمل خوبی از مردم گرفتیم. خیلی وقت‌ها آرای هیأت داوران موافق با مردم بوده است و این به اعتقاد من بالاترین میزان توفیقی است که ما به دست آورده‌ایم. چون دآوری خودش دآوری می‌شود. افکار عمومی باید شما ره به خطا ببرد اما حرکت‌های مردم در کل درست است ممکن است در جزئیات اشکال داشته باشد و لازم باشد با آنها ارتباط برقرار کنیم تا شاخص‌های جدیدتری با مردم در میان بگذاریم ولی در عین حال باید مراقب باشیم که مورد توجه آنها قرار بگیرد و مهر تأیید شد به نظریه و دآوری ما بزنند. نظر مردم برای ما خیلی اهمیت دارد. حتی بین اهالی سینما هم مهم است و گلاویه‌هایی که می‌کنند مبنی بر اینکه چرا کارشان دیده نشده است برای من شیرین است.

■ **به اعتقاد خودتان این اهمیت از کجا می‌آید. اعتبار و پشتوانه جوایز جشن حافظ برای هنرمندان چیست. بخش مادی جوایز، تأیید تیم دآوری...؟**

این سؤال را باید خود هنرمندان جواب بدهند ولی تصور من این است

« از نظر من عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی خودشان یک یادگار و میراث هستند و همان‌طور که به یک بنای تاریخی احترام می‌گذاریم و دور آن حصار می‌کشیم تا کسی روی آن یادگاری ننویسد آنها هم مراقبت و نگهداری می‌خواهند البته که آرتیست‌ها به دلیل خصلت هیجانی و احساسی‌شان ممکن است بعضی مواقع چندان با ما هم‌راستا نباشند اما نباید آنها را کنترل احساسی کرد

فکر می‌کنیم باید همه طبق سلیقه ما باشند. ما باید بر تعدد سلیاق احترام بگذاریم اما متأسفانه این‌تنگ‌نظری هم در میان عامه مردم و هم اهل نظر وجود دارد؛ تنگ چشمان نظر به میوه کنند/ ما تماشاگران بستانیم. باغ را ببینیم حالا اینکه ما زردآلو دوست نداریم دلیل نمی‌شود که زردآلوهای خوب را تحسین نکنیم. تا وقتی که اندیشه‌ها در جهت بردار کلی رشد باشد این اندیشه‌ها قابل پذیرش هستند. ممکن است فیلمسازی فقط زندگی اتمه است. هر فیلمی که توجه ما را به طبیعت و خلقت هم جلب می‌کند فیلم دینی است حتی اگر صاحب اثر چندان مقید به دین نباشد برای اینکه خداوند در قرآن تمام نشانه‌های طبیعت را با «انظر» یاد می‌کند. بنابراین شاید اگر با دیده باتری نگاه می‌کردیم لازم نبود بعضی از آدم‌ها را محروم کنیم و با کسانی که قصدشان خدمت به فرهنگ و هنر ایران بود، رفتار قهرآمیز داشته باشیم چرا یک هنرپیشه را از فیلم خوب و یک خواننده را از حضور در صحنه محروم کرده‌ایم. در حالی که الان می‌بینم همان فرهاد که به او مجوز نمی‌دادیم، شعری که در رشای پیامبر خوانده است، رو دست ندارد. یا همین محسن چاووشی که چند سال پیش اسمش را هم نمی‌خواستند بیاورند، یکی از زیباترین آهنگ‌ها را راجع به بچه‌های جنگ خوانده است. چرا انرژی‌های موجود در کشور را نادیده می‌گیریم.

■ **فارغ از حمایت معنوی دولت که برای چنین خدمات فرهنگی لازم و ضروری می‌کند در حوزه بودجه چطور. آیا می‌توانید مدعی شوید که جشن حافظ به صورت خصوصی و بدون هیچ حمایت دولتی برگزار می‌شود.**

جشن حافظ به صورت کامل بر

هستند و غمض عین می‌کنند. اگر چشم‌هایشان را باز کنند متوجه می‌شوند که باید تمام کنش‌ها و تعامل‌شان را در پهنه تاریخ ببینند. ممکن است فکر کنند که فقط دارند با یک فیلمساز و آوازخوان و اهل هنر بد اخلاقی می‌کنند در حالی که غافلند از اینکه برخی از آنها درانه هستند و سال‌ها طول می‌کشد تا مثلاً خواننده‌ای مثل شجریان داشته باشیم. سال‌ها طول می‌کشد تا یک بازیگری مثل انتظامی داشته باشیم. باید قدران این آدم‌ها باشیم و مثل یک میراث عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی و مسعود کیمیایی خودشان یک یادگار بود و می‌گفت به برابم خیلی عجیب است من حتی شما را یک بار هم ندیده‌ام و فکر می‌کردم باید آشنایی وجود داشته باشد. این دیدن زوایا خیلی اهمیت دارد و باعث دلگرمی می‌شود. تلاشمان این بوده است که استقلال نظر و عمل را حفظ کنیم و بی‌مقده به سینما و تلویزیون نگاه کنیم. بدون پیش‌اندیشه بودن و گت به اینکه فلان فیلمساز سلام من را علیک گفته یا نه؛ من آدم ناشناسی نیستم و با این فعالیت‌ها در جشنواره فیلم فجر، جشن خانه سینما و جاهای دیگر آشنا هستم و دیده‌ام که برخی جاها چنین اغراضی وارد جریان دآوری می‌شود.

این بوده است که استقلال نظر و عمل اقتدایش به حافظ و ال‌گوبرداری از چنین شخصیتی است. از جمله ارادتمندان این شخصیت علی حاتمی است که جزو مریدان حافظ بود. باورم این است که در این سال‌ها این عنوان یک نسبت غیر منطقی و شهودی با جشن هم پیدا کرده است و من برگزار می‌انزده ساله جشن حافظ را به وجود مشکلات به دم مسیحایی حافظ مرتبط می‌دانم. اگر نه من علی معلم خیلی زوری ندارم. قناعت مورد تأکید حافظ و خلوصی که برای تشویق هنرمندان وجود دارد انرژی پشت این جریان است. شما اگر به سابقه جشن نگاه کنید هنرمندان برجسته‌ای را می‌شنیدید که تنها دیگر هنریشان نبودند همین تندیس حافظ است مثل زنده یاد خاچیکیان و مهدی فتحی. برای ما همین افتخار بس که به‌جای رسم مرده پرستی سرگشته در طول این سال‌ها به آنها انرژی را که منتج از مردم است انتقال بدهیم. ضمن اینکه تشویق از سمت منتقدین خیلی پسندیده‌تر است برای اینکه ما در طول این سال‌ها به‌اندازه کافی این سینما را نقد می‌کنیم؛ نقد بی‌تعارف و بعضاً حتی بی‌رحمانه. در حالی که رشد دویبال دارد هم نقد و هم تشویق. نکته دیگر اینکه اغلب در جشنواره‌های هنری فیلم‌های پرب مخاطب از دایره بررسی خارج می‌شوند اما مسعی کردیم به هر بخش نگاه کنیم یعنی هم بخش آرتیست و هنری که حوزه پیچیده‌ای است و خیلی از کسانی که مسئولیت می‌پذیرند باید سعه صدر داشته باشند و امروز را نبینند بلکه تاریخ را ببینند و سعی کنند نقش خودشان را بخوبی در تاریخ ایفا کنند. متأسفانه مدیران فرهنگی در صورتی که حافظ را به استراتژی‌های فرهنگ و هنر پی‌توجه

که احساس می‌کنند این جشن یک جشن مستقل است و کسی روی آن تأثیر نمی‌گذارد و از جایی دستور نمی‌گیرد. دست‌بندی ندارد، کاری به این ندارد که قبلاً چه کارهایی کرده‌ای، سلام و علیکی با هیأت داوران داشتی یا نه. بسیاری از افراد می‌گویند که از این جشن جایزه می‌گیرند. ما برای نخستین‌بار از نزدیک می‌بینم. آقای فرامرز صدیقی که جایزه بهترین بازیگر تلویزیون را برای «دایره تردید» برد بعد از مراسم به دفتر مجله آمده بود و می‌گفت به برابم خیلی عجیب است من حتی شما را یک بار هم ندیده‌ام و فکر می‌کردم باید آشنایی وجود داشته باشد. این دیدن زوایا خیلی اهمیت دارد و باعث دلگرمی ما اگر بخواید جای‌پایی در هنر جهانی داشته باشد اقتدایش به حافظ و ال‌گوبرداری از چنین شخصیتی است. از جمله ارادتمندان این شخصیت علی حاتمی است که جزو مریدان حافظ بود. باورم این است که در این سال‌ها این عنوان یک نسبت غیر منطقی و شهودی با جشن هم پیدا کرده است و من برگزار می‌انزده ساله جشن حافظ را به وجود مشکلات به دم مسیحایی حافظ مرتبط می‌دانم. اگر نه من علی معلم خیلی زوری ندارم. قناعت مورد تأکید حافظ و خلوصی که برای تشویق هنرمندان وجود دارد انرژی پشت این جریان است. شما اگر به سابقه جشن نگاه کنید هنرمندان برجسته‌ای را می‌شنیدید که تنها دیگر هنریشان نبودند همین تندیس حافظ است مثل زنده یاد خاچیکیان و مهدی فتحی. برای ما همین افتخار بس که به‌جای رسم مرده پرستی سرگشته در طول این سال‌ها به آنها انرژی را که منتج از مردم است انتقال بدهیم. ضمن اینکه تشویق از سمت منتقدین خیلی پسندیده‌تر است برای اینکه ما در طول این سال‌ها به‌اندازه کافی این سینما را نقد می‌کنیم؛ نقد بی‌تعارف و بعضاً حتی بی‌رحمانه. در حالی که رشد دویبال دارد هم نقد و هم تشویق. نکته دیگر اینکه اغلب در جشنواره‌های هنری فیلم‌های پرب مخاطب از دایره بررسی خارج می‌شوند اما مسعی کردیم به هر بخش نگاه کنیم یعنی هم بخش آرتیست و هنری که حوزه پیچیده‌ای است و خیلی از کسانی که مسئولیت می‌پذیرند باید سعه صدر داشته باشند و امروز را نبینند بلکه تاریخ را ببینند و سعی کنند نقش خودشان را بخوبی در تاریخ ایفا کنند. متأسفانه مدیران فرهنگی در صورتی که حافظ را به استراتژی‌های فرهنگ و هنر پی‌توجه

■ **استقلال داورها سخن گفتید آیا در هیچ دوره‌ای اتفاق نیافتاده است که مسئولان بخواهند ملاحظاتی را اعمال کنید؟**

خوشبختانه با افتخار این را می‌گویم که در طول فعالیت تلویزیونی، مطبوعاتی و سینمایی ام هیچ‌وقت مورد فشار از سوی کسی قرار نگرفتم. البته دکتا دو بار برخی مسئولان وقت قصد دخالت داشتند و اوساوتان بدان جایزه به یکی، دو نفر شدند اما ما اصرار کردیم که در انتخابات‌ها تغییری ندهیم چون اصولاً جوایزمان را با کسی هماهنگ نمی‌کنیم. منجر شد به یک فاش‌کیبایی و حدود دو سال جشن برگزار نشد. به اندازه کافی این سینما را نقد می‌کنیم؛ نقد بی‌تعارف و بعضاً حتی بی‌رحمانه. در حالی که رشد دویبال دارد هم نقد و هم تشویق. نکته دیگر اینکه اغلب در جشنواره‌های هنری فیلم‌های پرب مخاطب از دایره بررسی خارج می‌شوند اما مسعی کردیم به هر بخش نگاه کنیم یعنی هم بخش آرتیست و هنری که حوزه پیچیده‌ای است و خیلی از کسانی که مسئولیت می‌پذیرند باید سعه صدر داشته باشند و امروز را نبینند بلکه تاریخ را ببینند و سعی کنند نقش خودشان را بخوبی در تاریخ ایفا کنند. متأسفانه مدیران فرهنگی در صورتی که حافظ را به استراتژی‌های فرهنگ و هنر پی‌توجه

■ **یعنی به نوعی وجوه نامگذاری این**

دستوری داده باشند.